

بررسی نقش فقر در بزهکاری اطفال در گف‌ت‌و‌گو با یک حقوقدان

# آسیب‌پذیری امروز یعنی بزهکاری فردا



عبدالرحمن عسکری

استناد و قوانینی وجود دارد که بر اساس آن دولت‌ها موظف به حمایت از خانواده‌ها و کودکان آسیب‌پذیر هستند. کودکان بسیار محروم این پتانسیل را دارند که در صورت حمایت نداشتن، به سمت جرم و خلاف کشیده شوند. عمده‌ترین بزه در میان کودکان، دزدی است. خانواده اکثر بزهکاران خردسال در زاغه‌ها یا اتاق‌های مخروبه و کثیف زندگی می‌کنند و شرایط بسیار ناساعد

## چه تعاریفی از فقر و تأثیر آن بر بزهکاری اطفال وجود دارد؟

مفهوم فقر از نظر آکادمیک در همه جا یکسان است اما در جوامع مختلف به صورت‌های متفاوت دیده می‌شود و مفهوم نیازهای اساسی بر حسب زمان و مکان متفاوت بوده و از حداقل نیازها برای زنده ماندن تا متوسط سطح زندگی را در بر می‌گیرد.

فقر باعث می‌شود نیازهای شخصی بر طرف نشده‌ و موجب تحریک و ترغیب آنها به انجام جرائم مختلفی می‌شوند. این قضیه موجب شده حتی برخی از والدین به طور عمد کودکان خود را به سمت تکدی‌گری و حتی ارتکاب جرائم مختلف سوق دهند.

به طور کلی می‌توان گفت اکثریت جرائم علیه اموال و اخلاق، ریشه در فقر و بیکاری دارند. به همین دلیل، ایجاد آموزش‌های اولیه و امنیت شغلی از جمله وظایفی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است، زیرا تأمین نیازهای اساسی زندگی، مستلزم کسب درآمد و داشتن شغلی مطمئن و درآمدزاست. کودکان بزرگ‌ترین قربانی بی‌توجهی دولت‌ها به حقوق اولیه خانواده هستند. کودکان آسیب‌پذیرترین عضو خانواده از لحاظ تأثیر شرایط اقتصادی خانواده هستند که وضعیت ناساعد اقتصادی خانواده بر بزهکاری آنها تأثیر مستقیم دارد. بزهکاری‌ای که می‌تواند حتی یک سرعت بسیار کوچک از فروشگاه باشد.

پایین بودن رفاه و کیفیت زندگی یک خانواده از تمرکز والدین بر وظیفه مهم خود یعنی تربیت مناسب اطفال جلوگیری می‌کند. در غیر این صورت کودکان به دلیل بی‌توجهی والدین به نیاز آنها و در نهایت با اشتغال به مشاغل سخت از اساسی‌ترین حقوق خود از جمله تفریح و سرگرمی و تحصیل محروم می‌شوند.

## حقوق بین‌الملل در این زمینه چه تعاریفی ارائه داده است؟

در این زمینه اسناد بین‌المللی حقوق بشر با مدنظر قرار دادن این موارد، دولت‌ها را مکلف به حمایت از خانواده کرده‌اند. در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: خانواده، رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود. از این رو در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۰۱۱ سازمان ملل مقرر شده است که کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را برای داشتن سطح زندگی مناسب برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن مناسب و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند.

همچنین ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۰۱۱ سازمان ملل متحد، خانواده

## حقوق اساسی و آب

کند، ممنوع است. به زبان ساده‌تر در قانون اساسی اصل بر حفاظت از محیط زیست گذاشته شده است و فعالیت‌های اقتصادی زمانی می‌توانند مجوز بگیرند که آثار تخریبی آنها بر محیط زیست قابل جبران باشد.

به استناد اصل ۵۰ قانون اساسی نمی‌شود محیط زیست را فدای فعالیت‌های اقتصادی کرد. از آنجایی که به استناد اصل ۴۵ قانون اساسی آب جزو انفال محسوب می‌شود و اختیار انفال هم در دست حکومت می‌باشد، تا طبق مصالح عامه از آن بهره‌برداری کند و به استناد مواد ۲۰ و ۲۱ قانون توزیع عادلانه آب هم در اختیار وزارت نیرو است.

اکنون پرسشی که پیش‌مباد این است که آیا وزارت نیرو می‌تواند به هر شکلی از این آب بهره‌برداری کند یا خیر؟ قضایای اخیر در اصفهان و شهرکرد و یزد باز هم به خوبی نشان داد که برنامه‌های وزارت نیرو درباره

رارکن اساسی جامعه تلفی کرده و حمایت از آن را به دولت‌ها تکلیف می‌کند. در بندهای متعددی از ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک هم بر حق برخورداری کودک از استاندارد مناسب زندگی برای رشد جسمی، ذهنی و اجتماعی تأکید شده و بر لزوم ارائه کمک‌های مالی و حمایتی به خانواده‌های بی‌ بضاعت توجه شده است. خالی از لطف نخواهد بود که به موضوع فقر از دیدگاه اسلام نیز پرداخته شود؛ زیرا مسائل اقتصادی یکی از دغدغه‌های دین‌مبین اسلام است.

در این خصوص رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «کاد الفقر آن یکتون کفرا». چه بسا فقر به کفر منجر شود. از این حدیث برداشت می‌شود اگر انسان‌ها در شرایط سخت اقتصادی قرار گیرند و از استانداردهای لازم برای یک زندگی قابل قبول برخوردار نباشند، زمینه ارتکاب گناه، انحرافات و سرانجام ارتکاب جرائم به وجود می‌آید.

همچنین امام علی (ع) در حکمت ۵۱۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «الفقر هال الموت الا کثیر». به این معنا که فقر همان مرگ بزرگ است. در واقع شخصی که فقیر است و در شرایط سخت اقتصادی به سر می‌برد زندگی نمی‌کند و فقط زنده است، حتی بدتر از این، با توجه به این روایت شخص زنده است.

## فقر علت اصلی ایجاد پدیده کودکان کار است. کار کودکان در برخی اسناد و قوانین چطور بیان شده است؟

ماده یک کنوانسیون حقوق کودک می‌گوید که کودکان افراد زیر ۱۸ سال هستند و ماده ۲۲ این کنوانسیون تعیین کرده که اولاً کشورهای پذیرنده کنوانسیون، حقوق کودک را برای حمایت‌شدن در برابر استثمار کودکان بزرگ‌ساز، بزهکاری و سایر اشکال سوءاستفاده از کودکان، باید اتخاذ کنند. همچنین این کنوانسیون در ماده ۳۰ مؤثر در بروز پدیده کودک خیابانی نشان می‌دهد که ۷۰ درصد کودکان خیابانی از گروه‌های مهاجر و ۷۰ درصد بومی تهرانند، ولی طبق آمارهای منتشر شده از سوی نیروی انتظامی نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از کودکان بزهکار خیابانی، مهاجر و تنها ۴۰ درصد از آنها ساکن تهران هستند.

تفاوتی معنادار میان گروه کودکان بزهکار و دیگر گروه‌ها در شاخص مهاجر و بومی بودن به چشم می‌خورد و این نشان‌دهنده وجود بیشترین شمار کودکان خیابانی بزهکار از گروه مهاجران است. وضعیت خانواده‌ها و کیفیت زندگی آنها به شکلی معنادار در بروز پدیده کودک خیابانی مؤثر است و بسیاری از این کودکان در خانواده‌های پر جمعیت زندگی می‌کنند که تعداد زیادی از فرزندان این خانواده‌ها هم جزو اطفال محسوب می‌شوند.

مهم‌ترین دگرگونی‌های عاطفی، شناختی و اجتماعی در سنین کودکی رخ می‌دهد و رفتار نامناسب و بی‌توجهی والدین، این کودکان را که سر همه‌های ملی و ارزشمند جامعه هستند، به بیراهه می‌کشاند. گزارش جدید سازمان ملل متحد نشان می‌دهد حدود ۴۰ هزار کودک مهاجر در کشورهای غرب آسیا در چهار سال منتهی به ۲۰۲۰ میلادی کشته یا مفقود شده‌اند که طبق این آمار به طور میانگین بدون در نظر گرفتن شمار بسیاری که به ثبت نمی‌رسند، روزانه دهها کودک مهاجر کشته یا مفقود می‌شود.

## عملکرد برنامه‌های توسعه در کاهش فقر کشور تا چه حد بوده است؟

خطمشی‌های کلی برنامه‌های توسعه‌ای همگی حاکی از تأکید این برنامه‌ها به عدالت اجتماعی و تلاش در

تفاوتی معنادار میان گروه کودکان بزهکار و دیگر گروه‌ها در شاخص مهاجر و بومی بودن به چشم می‌خورد و این نشان‌دهنده وجود بیشترین شمار کودکان خیابانی بزهکار از گروه مهاجران است. وضعیت خانواده‌ها و کیفیت زندگی آنها به شکلی معنادار در بروز پدیده کودک خیابانی مؤثر است.

راستای تحقق آن است. در پژوهشی در این خصوص از داده‌های مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور که توسط مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف جمع‌آوری شده، استفاده شده است و جمعیت کشور به دو ناحیه کلی شهری و روستایی، بر اساس منطقه جغرافیایی – شامل استان‌های مختلف اما همگن – تفکیک شده است.

در مجموع ارائه خدمات زیربنایی در روستاها و شهرستان‌ها در مقایسه با سایر اهداف پیش‌بینی شده در زمینه عمرانی برای مناطق محروم، موفقیت‌آمیزتر بوده است. مثلاً برنامه اول توسعه بعد از انقلاب با رویکرد خدمات‌رسانی به روستاها و اصلاح بافت فیزیکی تدوین و اجرا شد و در مرتبه بعد و جسوه تولیدی و اشتغال در بخش‌های کشاورزی و صنایع روستایی مورد توجه قرار گرفت. برنامه دوم توسعه به تدریج مقوله برنامه‌ریزی فضای – مکانی استقرار فعالیت‌ها و خدمات را مورد توجه قرار داد و بر وجوه کالبدی نظیر ساماندهی روستاها نیز تکیه داشت. در نهایت در برنامه سوم توسعه هماهنگ و هم‌زمان و یکپارچه در فضاهای روستایی مورد نظر قرار گرفت. برنامه سوم کامل‌تر از برنامه‌های اول و دوم بوده است. برنامه‌های پنجم و ششم هم از برنامه‌های قبلی کامل‌تر بود اما هنوز بسنترسازی نهادی برای گسترش بازارها به روستا و یکپارچگی توسعه شهری و روستایی در برنامه‌ریزی و اجرا بسیار کم‌رنگ است.

## همین برنامه ششم توسعه که از بقیه کامل‌تر بوده و امسال به پایان می‌رسد چه نقاط ضعفی در خصوص حقوق کودکان داشته است؟

شناسایی نکردن دقیق خانواده‌های آسیب‌پذیر و در نتیجه حمایت‌شدن از کودکان این قشر که می‌تواند سر از کانون‌های اصلاح و تربیت درآورد از مهم‌ترین نقاط ضعف برنامه ششم توسعه است. توزیع نندن متناسب منابع که می‌تواند ناشی از کمبود منابع مالی یا نبود یکپارچه شدن عملی برای هدفمند کردن حمایت‌ها باشد، به کودکان مناطق محروم آسیب‌های زیادی زده است.

البته دفتر امور مناطق محروم کشور که زیر مجموعه دولت است یا ستاد اجرایی فرمان امام، اقدامات و فعالیت‌هایی جهت رسیدگی به وضعیت مناطق محروم انجام داده‌اند که شامل عملیات عمرانی و زیربنایی، امور اشتغال‌زایی، امور نظارت و پیگیری می‌شود اما هنوز جای کار وجود دارد.

## راهکارهای حقوقی یا اجتماعی برای پیشگیری از بزهکاری کودکان چیست؟

تدوین قانون حمایت اقتصادی – اجتماعی از کودکان به منظور کاهش فقر، در این زمینه می‌تواند اثر بخش باشد زیرا اساساً قانونی جامع در این ارتباط وجود ندارد. تقویت امنیت شغلی بزرگسالان و تقویت بیمه‌های بیکاری یا همکاری نهادهای مرتبط به منظور پیشگیری از آسیب به خانواده‌ها و روانه‌سازی کودکان که کار هم می‌تواند در اولویت قرار گیرد. اصلاح و تغییر قوانین کار با جهت‌گیری حمایت از اقرار فرودست و گسترش شمول قانون کار به تمامی کارگاه‌های کشور و کارگاه‌های خانوادگی از جمله مواردی است که می‌تواند تأثیر فراوانی بر حمایت از کودکان داشته باشد. تقویت چتر حمایتی و ایمنی رفاه اجتماعی و برنامه‌هایی معطوف به کاهش بیماری و تقویت دستمزد بزرگسالان و توانمندسازی خانواده‌ها می‌تواند آنان را در برابر این مسئله که ناچار به کارگیری کودکان گردند، ایمن سازد.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در صورت حمایت از درآمد خانواده‌های توان‌آز کار کودکان و متعاقب آن آسیب‌هایی نظیر ورود به بزه پیشگیری کرد. این حمایت می‌تواند از طریق ارائه بسته‌های حمایتی مالی و غیرمالی فوری به منظور رفع نیازهای اساسی و کاهش فقر آنان صورت پذیرد.

طبیعی زمین و محیط زیست شده است. ما با این واقعیت روبه‌رو هستیم که می‌گویند در شهرهای فلات مرکزی نیاز به آب شرب هست، حال چگونه می‌شود شهرهایی که در آب شرب خود مشکل دارند خود قطب صنعتی و اقتصادی باشند؟

اتفاقات اخیر در کشور پیرامونی به وضوح نقض شدن اصل ۵۰ قانون اساسی از سوی برخی مسئولان در گذشته را نشان می‌دهد که متأسفانه با تصمیمات غلط در گذشته و توسعه بدون آمایش سرزمینی بر پایه مبنای این انجام شده است. برخی در گذشته با تصمیمات سلیقه‌ای خود اساساً محیط زیست را به مخاطره کشاندند که این خود امروز تبدیل به یک مسئله حاد در جامعه شده است و رهکار آن بازگشت به قانون طبیعت است. قانونی که در آن تخریب کردن محیط زیست برای صنایعی که می‌شود در کنار دریا احداث کرد، خط قرمز محسوب می‌شود.

## نکته



## واکسیناسیون و قانون

محمد حسین مکر می

واکسیناسیون اجباری و در مقابل آن واکسن‌ستیزی چالشی است که دنیای امروز با آن بیشتر مواجه شده است. حال این سؤالات مطرح می‌شود که اصلاً واکسیناسیون اجباری به چه معناست؟ چه انواعی می‌تواند داشته باشد؟ آیا دولت حق انجام چنین کاری را دارد؟ و در نهایت موافقان و مخالفان چه دلایلی را ذکر می‌کنند؟

واکسیناسیون اجباری به معنای عرفی آن به انواع مختلفی می‌تواند اعمال شود. گاهی دولت با وضع قوانین کیفری کسانی را که از واکسینه شدن اجتناب می‌کنند، مجازات می‌کند.

نمونه بارز آن در کشور ما تصویب قانون جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار در سال ۱۳۲۰ بود که طبق آن کسانی که از آبله‌کوبی امتناع می‌کنند به حبس و جزای نقدی محکوم می‌شوند.

اما حکمیت در نوع خفیف‌تر واکسیناسیون اجباری، دیگر به وضع قوانین کیفری اقدام نمی‌بلد که در ارائه خدمات عمومی به کسانی که از این کار اجتناب می‌کنند، محدودیت ایجاد می‌کند.

مخالفان واکسیناسیون اجباری بعضاً تئوری‌های توطئه را مطرح کرده و به دولت‌ها یا شرکت‌های تولیدکننده واکسن بی‌اعتمادی آنها دست‌کم نسبت به عوارض بلندمدت واکسن در تکرار می‌دهند.

از نظر آنها قانونگذار برای دولت یا شرکت‌های تولیدی واکسن هیچ گونه مسئولیت‌مدنی‌ای در جهت جبران آسیب احتمالی ناشی از واکسن‌زدن در نظر نگرفته و همین خلأ می‌تواند یکی از عوامل خودداری آنها برای واکسن‌زدن باشد.

از منظر حقوقی نیز حق بر تمامیت جسمی یکی از انواع حقوق مربوط به شخصیت هر انسان است و بنابراین هرگونه تعرض جسمی و حتی مداوای طبی

بدون رضایت شخص ممنوع است. به عوارض بلندمدت واکسن در تکرار می‌دهند. از نظر آنها قانونگذار برای دولت یا شرکت‌های تولیدی واکسن هیچ گونه مسئولیت‌مدنی‌ای در جهت جبران آسیب احتمالی ناشی از واکسن‌زدن در نظر نگرفته و همین خلأ می‌تواند یکی از عوامل خودداری آنها برای واکسن‌زدن باشد.

از منظر حقوقی نیز حق بر تمامیت جسمی یکی از انواع حقوق مربوط به شخصیت هر انسان است و بنابراین هرگونه تعرض جسمی و حتی مداوای طبی بدون رضایت شخص ممنوع است.

با این حال گاهی این امر بنا به مسأله اجتماعی به موجب قانون بر افراد تحمیل می‌شود. توضیح آنکه طبق اصل چهارم قانون اساسی که بر مبنای قاعده فقهی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است، هیچ کس نمی‌تواند با استفاده از حق خویش به دیگران زیان برساند. یعنی سوءاستفاده از حق ممنوع تقریباً می‌تواند گفت اصلاً هیچ حسی بی‌قید و بند و بدون محدودیت وجود ندارد.

محدودیت این قصه را نیز بسیاری از جمله شیخ طوسی و امام خمینی (ره) بیان داشته‌اند که هرگاه بین مصالح جامعه با مصالح فرد تعارض یا تضامنی پیش آید (طبق قاعده امر بر مهم) مصالح عموم جامعه مقدم است. بنا بر این است که افراد نمی‌توانند از حق خود

بر تمامیت شخصیت جسمی سوءاستفاده کنند چون در اینجا بحث جلوگیری از همه‌گیری ویروس و مصاحبت عام مطرح است. اگر مسئولان این قصه را نیز بسیاری از جمله شیخ طوسی و امام خمینی (ره) بیان داشته‌اند که هرگاه بین مصالح جامعه با مصالح فرد تعارض یا تضامنی پیش آید (طبق قاعده امر بر مهم) مصالح عموم جامعه مقدم است. بنا بر این است که افراد نمی‌توانند از حق خود

چندی قبل هم در همین زمینه معاون مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت در یک برنامه رادیویی از تدوین طرحی به منظور «اعمال محدودیت برای واکسن‌گریزان» خبر داد که رسیدن به پوششی مناسب واکسیناسیون و تصویب آن در ستاد ملی مقابله با کرونا دو پیش‌شرط اجرایی شدن آن هستند.

مسئمن فرهادی افزود: «بر خورد قانونی ما با افرادی که واکسن تزریق نمی‌کنند، ممکن است عدم ارائه برخی خدمات باشد که البته پلتفرم کلی آن آماده شده و به شرط تصویب ستاد ملی کرونا به زودی در کشور اجرایی می‌شود. یعنی فرد از خدمات عادی محروم می‌شود.»

به گفته این مقام مسئول وزارت بهداشت، بر خورد با واکسن‌گریزان ابتدا شامل همه کارکنان بخش دولتی و خصوصی می‌شود. همچنین قرار است عمرعایت پروتکل‌های بهداشتی در محیط کار هم مجازات قانونی در پی داشته باشد.

اما نکته آنکه این اقدامات اجبار گونه برای جلوگیری از همه‌گیری کرونا و تأمین سلامت عمومی که طبق اصل بیست و نهم قانون اساسی از وظایف دولت است به تنهایی کافی نیست. یعنی اعمال محدودیت باید توانا با اقدامات اقناعی در جهت تأمین سلامت عمومی به کار گرفته شود. قانون‌گذار باید با در نظر گرفتن مسئولیت‌مدنی برای دولت و شرکتهای واکسن، در قبال عوارض احتمالی واکسیناسیون تمهیداتی اندیشیده و با اقع افکار عمومی (از جمله ایجاد شفافیت و پاسخ به شبهات) افراد بیشتری را ترغیب کند.

♦ دانشجوی حقوق و معارف  
♦ دانشگاه امام صادق (ع)